

ادامه از صفحه ۳

❧ چه عاملی سبب می‌شود امروز بیشترین مخالفت‌ها فارغ از جریان تندرو ازسوی براندازان سا جریان اصلاحات صورت بگیرد؟ چرا چنین مخالفت‌هایی ازسوی براندازان با اصولگرایان وجود ندارد؟!

مهم‌ترین مسئله اصلاحات آن است‌که به‌دلیل خصوصیت اصلی این جریان سیاسی که با زمینه مطالبات اجتماعی ایران پیوند دارد، محتاج اصلاح است و ایجاد این باور که اصلاحاتی با شرایط و مطالبات جامعه در هر دوره زمان تطبیق یافته، زمینه اصلی سیاست‌ورزی حال و آینده ایران است، بی‌دلیل نیست که امروزه بیشترین مخالفت و تهاجم علیه اصلاحات از بیرون و درون صورت می‌گیرد. به‌خصوص براندازان و سلطنت‌طلبان، بیشترین مخالفت را با اصلاحات دارند چون به کارآمدی آن در جامعه ایران واقفاند. اندیشه‌ورزی در اصلاحات درست جایی است که محتاج اصلاح است. اندیشه‌ورزی‌ای که به کار سیاست‌ورزی می‌خورد قدری پراگماتیستی است و به مسائل راهبردی و چالش‌های اصلی جامعه نگاه می‌کند. ❧ **معتقدید که اصلاح‌طلبی تنها یک راهبرد سیاسی نیست بلکه در همه حوزه‌های داخلی و خارجی می‌تواند به عنوان یک راه‌حل به کار گرفته شود.** اگر امروز قرار باشد اصلاح‌طلبان، به‌ویژه با توجه به نزدیکی انتخابات استفاده ازحاکم‌لی برای برون‌رفت از بحران‌های داخلی، سیاست خارجی و اقتصادی ارائه دهند آن راه‌حل باید چه باشد؟

مسئله راهبردی امروز اصلاحات انتخابات نیست البته انتخابات نیز یکی از مسائل است؛ هویت‌یابی کارکردی، جلب اعتماد اجتماعی بازگشت به گفتمان‌سازی سیاسی و اجتماعی و سپس ارائه تراز اصلاح‌طلبی نوین به جامعه مهم‌ترین دست‌ور کار اصلاحات است. امروزه بسیار مهم‌ترین چالش اصلی در ایران حکمرانی است که در بخش‌های سیاست داخلی، سیاست خارجی و اقتصاد بر سپهر جامعه سایه افکنده است. حکمرانی مربوط به تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و شیوه‌های اجرای آن است. سیاست خارجی که امروزه مردم عادی نیز نقش آن را در زندگی روزمرشان احساس می‌کنند و درباره آن اظهارنظر می‌کنند به‌طور مشخص ازسوی اصلاح‌طلبان باوجود اظهارات بسیار خوبی که می‌شود، چارچوب‌بندی نشده است. ایران با مشکلات بزرگ اقتصادی که مهم‌ترین چالش راهبردی جامعه ماست، مواجه است، ولی متأسفانه اصلاح‌طلبان سکوت کرده‌اند و اصلا اظهارنظر کارآمدی و موضع‌گیری خاصی ندارند. حداقل چندین دیدگاه اقتصادی در ایران وجود دارد ولی اصلاح‌طلبان هیچ‌کدام از این دیدگاه‌ها را پشتیبانی نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند کار اصلاحات‌ی‌ای که هر کدام راه‌حل‌های مختلفی برای اقتصاد ایران ارائه می‌کنند و محل اصلی مناقشه سیاسی در ایران بوده و هست مورد قبول اصلاح‌طلبان است. مگر می‌شود حزبی تشکیل داد، جریان سیاسی راه انداخت و در دنیای امروز درباره دیدگاه اقتصادی حرفی نزد این هم از معجزات جامعه سیاسی ایران است. همه احزاب و جریانات سیاسی در دنیا از نظر دیدگاه‌های اقتصادی، خود را متمایز از دیگران می‌کنند، ولی در ایران ما می‌گوییم به مسائل جامعه ایران کاری نداریم، این دیگر قدری راحت‌طلبی است. ولی واقعیت آن است که در درون جبهه اصلاحات دیدگاه‌های خفته‌ای متشکل از طرفداران اقتصاد آزاد تا دیدگاه‌های سوسیالیستی وجود دارد. ولی سکوت احزاب و جریانات به خاطر اینکه ممکن است اختلاف نظری بروز کند، قربانی هویت و اصول جریان اصلاح‌طلبی شده؛ این در حالی است که مهم‌ترین مسئله جامعه ایران یعنی چالش اقتصادی باید در راس راه‌حل‌های اصلاح‌طلبانه اصلاح‌طلبان باشد. ترس از اختلاف نظر خودکشی از ترس مرگ است. یکی دیگر از مسائل امروز ایران فساد است که به شکل فساد سیاه و سفید و خاکستری و ساختاری گریبان دستگاه اداری و جامعه ایران را گرفته و در زمینه‌ی که فساد ایجاد شده است، گلی نخواهد روید. اصلاح‌طلبان به این امر کم‌اعتنا هستند و دیدگاه‌های کارشده‌ای ارائه نمی‌دهند. البته اخیرا نهادهای غیردولتی توسط بعضی از دوستان ایجاد شده که جای خوشحالی است. یکی دیگر از مسائل اصلاح‌طلبان سازماندهی و تشکیلات است که بدون آن هیچ کاری به ثمر نمی‌رسد. احزاب، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی ظرف‌های تحقق اصلاح‌طلبی هستند. این تشکیلات است که کار فکری را با انجام می‌دهد یا سفارش و پشتیبانی می‌کند. اصلاحات مستمر سازگار با زمان و شرایط نیز بر عهده آن است.

❧ **عدالت و رفاه اجتماعی همواره یکی از مهم‌ترین**

مسائل سیاسی کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه بوده است‌اما در ایران در سال‌های اخیر نه تنها از مسیر اصلی خود به سمت مفاهیمی چون پوپولیسم حرکت کرد بلکه تاکنون نتوانسته به شکل حقیقی به وقوع بپیوندد، این امر ناشی از چیست؟

مارشال سه حق را عنوان می‌کند؛ حقوق مدنی که خاستگاه انقلاب فرانسه بود، حقوق سیاسی که دموکراسی قرن بیستم آن را پشتیبانی می‌کرد و حقوق اجتماعی که شامل کشورهایی است که تا حدودی دو حق قبلی را به طور نسبی دریافت کرده‌اند. عدالت اجتماعی، سیاست اجتماعی و رفاهی امروزه مهم‌ترین مسائل سیاسی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه مثل کره و مالزی است. مسائل مربوط به سیاست‌های اجتماعی، آموزش، سلامت، فقر و نابرابری است. در جامعه

ایران بین ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر زیر خط فقر درآمدی‌اند و حداقل ۱۰ استان ایران دارای فقر بالای ۵۰ درصد هستند. بی‌عدالتی آموزشی در ایران امکان تحرک اجتماعی را که یکی از مشخصه‌های جامعه ایران در صد سال گذشته به خصوص بعد از انقلاب بوده، به شدت کند کرده است. بی‌کاری، نابرابری و کاهش دسترسی گروه‌های کم‌درآمد از مواهب جامعه از مسائل مهم کشور است. این مسائل جزء مطالبات اصلی جامعه ایران است. همه احزاب سیاسی در دنیا به‌خصوص احزاب آمریکایی و اروپایی بخش مهمی از برنامه‌ها، شعارها و حتی اصول خود را به اجرای عدالت و رفاه اجتماعی اختصاص داده‌اند و مردم نیز از این طریق به آنها می‌گروند. ولی متأسفانه در ایران گروه‌های اصلاح‌طلب و احزاب آنها هیچ نظری در این مورد ندارند و کاملا به آن ای‌غتنا هستند. حتی در انتخابات ۱۳۸۴ وقتی بنده و عده‌ای از دوستان به کاندیدای اصلاحات در مورد توجه به سیاست‌های اجتماعی تذکر دادیم، ایشان گفتند این حرف‌ها مسئله نیست، فقط مسائل سیاسی مطرح است و رفیع درست از همین موضع نتوانست انتخابات را برنده شود. قانون مادر ساختار رفاه و تأمین اجتماعی و وزارتخانه آن هرگز مورد عنایت اصلاح‌طلبان نبوده و حتی ادغام و احیای دوباره آن نیز ایشان را برزینگیخت. اصلاحات باید نظری صریح و روشن در باب سیاست‌های اجتماعی و به‌خصوص ارتباط آن با حجم اقتصاد بیان کند و وضعی صریح داشته باشد و نهادهای دولتی آن را نظیر وزارت رفاه و سازمان تأمین اجتماعی پشتیبانی کنند. حتی امروز جامعه ما به گفتمان روشنفکری رفاه اجتماعی که در همه کشورها هست، نیاز دارد که در ایران می‌تواند توسط اصلاح‌طلبان راهبری شود. اینک شعار ایران برای ایرانیان س‌رمی‌دمیم ولی به فرودستان و گروه‌های کم‌درآمد بی‌توجهیم، ناقض شعار ایران برای همه ایرانیان است. با کمال تعجب یکی از مسئولان احزاب اصلاح‌طلب گفت واقع‌ا اخیر در رای ما در انتخابات که در طبقه متوسط تعریف نشده تأملی ندارد؛ اعتراف دردناکی است. اگر در دستگاه کارل اشمیتی تحلیل کنیم، این حرف ناشی از وضعیت استثنایی است که امر سیاسی ما و دیگری به مفهوم طبقه کم‌درآمد ایجاد کرده است. در حالی که در جوامع دموکراتیک در این موارد به امر سیاسی برقرار می‌کنند و نه وضعیت استثنایی و به همه گروه‌های اجتماعی یکسان می‌نگرند. گذشت زمان، بی‌عملی و روزمرگی و وجود انسان‌های فرصت‌طلب سبب شده است که افرادی با خصوصیات مخالف با اصلاح‌طلبی در جامعه و در ارگان‌های دولتی استقرار یابند. سیستم اصلاح‌طلبی باید هوشمند شود و بتواند این افراد را از خود برهاند وگرنه بی‌هویتی این ناصلاح‌طلبان، هویت این جریان را به خطر می‌اندازد. بنابراین ضرورت تأسیس نهاد دیده‌بان اصلاح‌طلبی گریزن‌یاب‌یز است. این‌گونه است که توسط مسئولان اصلاح‌طلب، اصلاحات به کسب قدرت و کسب موقعیت‌های اداری و البته تلاش برای ماندگاری

در قدرت، فرو کاسته می‌شود و اصلاحات از یک جریان زمینه‌ای اجتماعی و سیاسی کارآمد در ایران به یک بنگاه کاربایی و چانه‌زنی برای کسب قدرت تبدیل می‌شود. در هر صورت سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه باید در مواجهه با قدرت و اصول خود نوعی سیاست اخلاقی را نیز پیشه کند؛ اخلاق و اصول اخلاق سیاسی با این مشاهدات نمی‌خواند. ❧ **امروز یکی از مشکلات اصلاح‌طلبان دولت روحانی است، این جریان پس از رویدادهای پی‌درپی دو سال اخیر و تشدید نارضایتی‌های عمومی به تبع آن افول سرمایه‌های اجتماعی باید با دولت روحانی چه کار کند؟ آیا باید عتای این دولت را به لغایش ببخشد یا تا پایان راه با آن همراه باشد؟**

نسبت اصلاح‌طلبی با دولت کنونی نیز محصول یک اشتباه و آن ائتلاف دولت در دو مقطع چهار ساله بدون هیچ قرار و مداری است و تیزهطلبی سیاسی جای نگاهی واقعی و پراگماتیستی را گرفت. البته کارآمدی اصلاحات در انتخابات ۱۳۹۲ بر همگان روشن است و توانست کمک کند کاندیدای انتخابی را که در آن شرایط به طور نسبی مناسب بود، به کرسی ریاست جمهوری برساند. دولت روحانی دولتی انتخابی است و از این منظر نقش آن بسیار مهم است؛ توانایی در توافق برجام با وجود ناگامی‌هایی که برجام را تضعیف کرد، مذاکره برابر با قدرت‌های بزرگ، دست‌کم در ۱۵۰ سال گذشته و خارج‌کردن ایران از ذیل بند هفتم منشور سازمان ملل و اصلاح خراب‌کاری‌های دولت‌قبلی نقاط مهم کارکرد این دولت است؛ ولی تغییر سیاست‌های عمومی دولت در مرحله دوم ایجاد زایوه با اصلاح‌طلبان و ناکارآمدی‌های بعدی می‌توانست در یک توافق عملی ائتلاف با دولت از س‌وی اصلاح‌طلبان حل‌وفصل شود که عملا وجود نداشت. درهرصورت اصلاحات باید تمایزات خود را با عملکرد این دولت روشن کند، همگان می‌دانند که دولت روحانی دولت اصلاحات نیست؛ بلکه مخالفان اصلاحات دوستانی که به خودزنی مشغول‌اند، عملکرد این دولت را به اصلاحات نسبت می‌دهند؛ ولی درهرصورت به همان اندازه‌ای که اصلاحات در سرکارآمدن و عزل‌ونصب‌های آن دخیل بوده است، مسئولیت دارد. البته من به طور شخصی با تجربه‌ای که از مشکلات دولت به‌ویژه در شرایط تحریم دارم، با وجود مخالفت‌های اساسی که با عملکرد دولت دارم، چندان نمی‌خواهم از دولت انتقاد کنم و با این شرایط آن را جوانمردانه نمی‌دانم؛ ولی حساب‌وکتاب دولت و اصلاحات معلوم و مشخص است.

❧ **معتقدید که حساب‌وکتاب اصلاحات با دولت روشن است؛ اما این مهم برای جامعه ایران روشن نیست. آنها در بسیاری از موارد خاستگاه اصلاح‌طلبی و دولت را یکی می‌پندارند. در واقع به‌همین دلیل هم اصلاح‌طلبان را در بسیاری مسائل مقصر قلمداد می‌کنند.** مسیر جداگانه اصلاحات از دولت را چگونه

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب فهیمه همتی فرزند اسداله به شماره شناسنامه ۴۵۴۹۸۹۴۳۸۵ صادره از آبدانان در مقطع تحصیلی کاردانی رشته برق الکترونیک صادره از واحد دانشگاهی کنگاور به شماره سریال ۲۸۸۰۰۰۱۹۹ و تاریخ ۱۸/۰۲/۸۷ و شماره ۸۷ / ۱۲۱۳ مفقود گردیده و اعتبار ندارد. از یابنده تقاضا دارد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور ارسال نماید.

بدینوسیله اعلام می دارد اصل دفترچه قرارداد شماره ۱۴۹۸۰ مورخ ۲۴ / ۱۰ / ۸۵ فی ما بین شرکت شهرک‌های صنعتی مازندران و شرکت نورآوران شمال پیمان موضوع حق انتفاع یک قطعه زمین به شماره D۴ به متراژ ۱۵۰۸ متر مربع از اراضی شهرک صنعتی بند پی شرقی مفقود و از درجه اعتبار ساقط گردید.

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

نسبت اصلاح‌طلبان با دولت کنونی محصول یک اشتباه بود



باید برای جامعه ایران به‌ویژه مخالفان وضع موجود تبیین کرد؟

البته بسیاری از سیاست‌های دولت با اندیشه و دیدگاه‌های اصلاح‌طلبی همخوانی ندارد. من در اینجا دیدگاه‌های اصلی اصلاح‌طلبی را بیان می‌کنم. شما خود می‌توانید آنها را با عملکرد دولت و بعضی از اصلاح‌طلبان مقایسه کنید. در مجموع خاستگاه‌ها و دیدگاه‌های اصلاح‌طلبان عبارت است از: ۱- عمدتا از خاستگاه چپ مرسوم ایران شکل گرفته است؛ ولی به مکانیسم‌های باز اجتماعی اعتقاد دارند و شاید بیشتر متمایل به سوسال‌دموکراسی هستند تا به نوعی لیبرال‌دموکراسی. البته طیف‌هایی هم هستند که گرایش لیبرال‌دموکراسی دارند. ۲- دیدگاه دولتی به حقوق شهروندی همه ایرانیان یکی از محوری‌ترین اندیشه‌های اصلاح‌طلبان است؛ بنابراین به مسئله ایران در قالب توسعه

سرزمین، به‌هم‌پیوستگی اجتماعی و وحدت ملی و وحدت سرزمینی اعتقاد دارند. ۳- به حقوق بشر و الحاقات آن اعتقاد دارند. ۴- به ملاحظات محلی و منطقه‌ای که عمدتا به دیدگاه‌های اعتقادی، آن‌هم با قرائتی از دموکراسی و آزادی است، اعتقاد دارند. ۵- اصل دموکراسی و تقویت جمهوری‌ت قانون اساسی جمهوری اسلامی معتقد هستند و آن را در حقوق شهروندی، حقوق بشر و حقوق انسانی و حق انتخاب آزاد همه مردم ایران می‌دانند. ۶- فعالیت خود را در چارچوب قانون اساسی و قوانین جمهوری اسلامی می‌دانند؛ اما سعی در اصلاح قانون اساسی و قوانینی دارند که پیش‌برد اهداف اصلاحات را در آن تسریع کند. ۷- به اصلاح در ساخت قدرت و سعی در اصلاح رفتار قدرت می‌اندیشند. ۸- اصلاح‌طلبی را امری تدریجی، خشونت‌پرهیز و با رفتار مدنی و قانونی ترسیم می‌کنند. ۹- نگاه اصلاحات به جامعه مدنی و اعتماد به نیروهای اجتماعی و فردی به‌عنوان جامعه مدنی ایران است. ۱۰-

مشارکت در قدرت از نظر اصلاحات مشارکت برای اصلاح و پیش‌برد اهداف اصلاحات است و باید از قدرت و جامعه مدنی توامان نظر دارد. ۱۱- اصلاحات در این‌لیکه به ترتیب به به‌هم‌پیوستگی اجتماعی، وحدت ملی و وحدت سرزمینی می‌اندیشد، حقوق اقوام ایرانی را به‌عنوان عنصر شکل‌دهنده ملت ایران لازم‌الرعایه می‌داند. ۱۲- اصلاحات صلح‌طلب است و به مدارا با افراد جامعه و رعایت حقوق مخالفان معتقد است. ۱۳- اصلاحات به برابری جنسیتی و رعایت حقوق زنان و توسعه زنان و بالابردن مشارکت فعال ایشان به‌عنوان نیمی از جامعه معتقد است. ۱۴- اصلاحات به سیاست خارجی فعال و اعتمادسازی با دنیا به‌ویژه همسایگان و استفاده از ظرفیت‌های سیاسی بین‌المللی و به‌ویژه اقتصاد بین‌المللی برای توسعه متوازن ایران اعتقاد دارد. به‌همین دلیل اصلاح‌طلبان باید در اسرع وقت: ۱- سازوکاری را برای اصلاح مستمر دیدگاه‌ها، راهبردها و سیاست‌های دولت اصلاحات تعریف کنند؛ بلکه مخالفان اصلاحات متنوع اقتصادی باید مشخص شود از تنوع دیدگاه‌های اجتماعی اقتصادی در جبهه اصلاحات خودداری کنند و راهکارهای اقتصادی خود را برای اصلاح ایران و اقتصاد آن اعلام کنند. ۲- دیدگاه اصلاحات باید در برابر عدالت اجتماعی و سیاست اجتماعی و سیاست رفاهی روشن و دارای راهکارهای اصلاحی مشخص باشد. ۴- اصلاحات باید نظریات روشن به فساد و راهکارهای مبارزه با آن را اعلام کند و اگر حتی یک نفر آلوده به فساد بود، از خود برهاند. ۵- اصلاحات باید درباره تعبیه سازوکار دیده‌بان اصلاحات اقدام کند و افرادی که خود را جزء اصلاحات می‌دانند، باید مبین اصول آن باشد؛ وگرنه خودبه‌خود کنار گذاشته می‌شوند. ۶- اصلاحات گسترده خود را در جامعه با نگاه به مردم، به نهادهای اجتماعی، نهادهای محلی و نهادهای فرهنگی توسعه دهد. ۷- اصلاحات اشاعه‌دهنده سیاست‌ورزی اخلاقی باشد و بتواند به طور ذاتی مورد اعتماد مردم باشد و در چشم آنان طرفدار همه گروه‌های اجتماعی به‌ویژه طبقه متوسط و فرودستان جامعه باشد و در این راستا پیرو راستی و حقیقت‌اندیشی باشد، نارسائی و دروغ را نادرست و درستی را درست بیندارند. ۸ - اصل گفت‌وگوی اصلاح‌طلبی را در جامعه اشاعه دهند و امکان گفت‌وگو را در بسیاری مسائل مقصر قلمداد برای جامعه در همه سطوح فراهم کنند.

۹- اهتمام و بازگشت به مردم و مطالبات مردمی، تقویت جامعه مدنی و نهادهای مردمی دستور کار همیشگی اصلاحات باشد. ۱۰- سیاست‌ورزی می‌بایست با اصل «شرایط جدید، استراتژی جدید» خود را تغییر داده و اصلاح کند و دانسته شود که با روش‌های گذشته نمی‌توان مشکلات امروز را انجام داد و این امر محتاج اندیشه‌ورزی مداوم است. البته هرچه زمان می‌گذرد، اصلاحات عمیق‌تر و سخت‌تر شده است و با سال‌های دهه ۸۰ متفاوت است.

❧ **واقعیت امر این است که دولت روحانی برآمده از حمایت اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان در سال ۹۲ بوده و چیزی این مسئله را تغییر نمی‌دهد؛ اما چرا دولتی که آن همه به آن امید وجود داشت، اساسا دست به هر اقدامی که می‌زند با ناگامی مواجه می‌شود، به‌گونه‌ای که گرانی بنزین نمونه بارز این وضعیت است؟**

عالی‌ترین نهاد جامعه، نهاد دولت است، به‌همین دلیل نیز همه تخصص‌ها و مهارت‌ها در دولت وجود دارد و بخش وسیعی از امر سیاسی در دولت اتفاق می‌افتد. اگرچه امر سیاسی تنها نباید در دولت باشد، بلکه در نهادهای مدنی، احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی خود

را نشان می‌دهد؛ اما در ایران که همه‌چیز دولتی است و دولت‌ها عموما در همه امور دخالت می‌کنند؛ نهاد عالی دولت اهمیت بالایی دارد؛ بنابراین باید این نهاد عالی مهارت‌ها و توانایی‌های لازم را برای حل مسائل داشته باشد. یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که در دولت و مدیریت کشور باید وجود داشته باشد، مسئله همراهی با اجماع سیاسی است که کاربرد آن نه‌تنها در اداره کشور بلکه در مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... خود را نشان می‌دهد. به عبارتی همه کسانی که می‌خواهند دولت و نظام را اداره کنند، باید روی چشم‌اندازها و مسائل استراتژیک وفاق داشته باشند، اما متأسفانه در ایران این چنین نیست، زیرا بخش‌هایی از دولت به ارگان‌های فرادولتی با استراتژی‌های مختلف تبدیل شده است. به عبارتی دستگاه‌های مختلف در کار یکدیگر دخالت می‌کنند، به‌همین دلیل قدرت در ایران متفرق است. تازمانی‌که این امر مهم حل نشود، بسیاری از مسائل به ثمر نمی‌رسد. از سویی مدیران در ایران چالش‌های بسیار بزرگی را برای کشور ترسیم کرده‌اند که من این چالش‌ها را سیزده‌گانه می‌دانم و در رأس آن حکمروایی قرار دارد. حکمروایی به این مفهوم که چگونه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌شود و چگونه تصمیم‌ها اجرا و ارزیابی می‌شود. اساسا فلسفه مدیران برای تصمیم‌گیری چیست که این خود به نظریه دولت بایزمی‌گردد. اساسا ما چه نظریه دولتی‌ای داریم که این مهم نیز از امر سیاسی در ایران نشئت می‌گیرد. امر سیاسی در ایران به‌طور مستقل عمل نمی‌کند، بلکه این مهم تحت تأثیر امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و... است؛ بنابراین چالش‌های عمده‌ای که برای اداره کشور وجود دارد، در رأس آن خلل و مشکل در حکمروایی عمومی یعنی نحوه تصمیم‌گیری است؛ اما حکمروایی با حکمرانی از بالا به پایین تفاوت دارد، چراکه در حکمروایی باید فراتر از دولت به عبارتی نهادهای مدنی، احزاب سیاسی، گروه‌های اجتماعی، ذی‌نفعان، گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در شیوه اداره کشور مشارکت داشته باشد، زیرا دولت به‌تنهایی نمی‌تواند یک جامعه را از بالا به پایین اداره کند، بلکه باید مانند کشورهای پیشرفته با مشارکت نهادهای مدنی، احزاب و... کشور را اداره کند؛ بنابراین در این چارچوب می‌توان دولت روحانی را تقسیم‌کرد. دولت اختیار چندانی در دست ندارد، با وجود اینکه انتخابی است و در زمینه سیاست داخلی، خارجی و... باید امور را پیش ببرد. حال آنکه نداشتن اختیارات لازم منجر به کاهش کارایی دولت می‌شود. به‌ویژه اینکه انتخاب‌ها در دولت از انسجام لازم برخوردار نیست. دولت نتوانست همه نخبگان و شایستگان را به کار بگیرد؛ برای مثال درباره وزارت علوم که یک دستگاه نخبگانی است و باید از طریق نخبگان امور مربوط به آموزش و دانشکاه را پیش برد، برعکس انتخاب وزیر آن با مشکلاتی مواجه شد، تاجایی‌که دولت ناگزیر ۲۲ نفر کاندیدای خود را نتوانست بر کرسی وزارت بنشاند که ضعف‌های خودش نیز مزید بر علت است.

❧ **معتقدید که علت ناگامی‌های دولت و حتی دولت‌های پیشین در ایران نداشتن اختیارات لازم و نوع حکمروایی است؟**

برای نمونه در مسائلی که در رابطه با گرانی بنزین ایجاد شد، دولت با توجه به اختیارات قانونی‌اش می‌توانست از سه سال قبل به‌تدریج درباره قیمت بنزین تصمیم بگیرد، اما یک‌باره ششوک به جامعه‌ای وارد کرد که آنها خود از کوکد، گرانی، بی‌کاری و... رنج می‌برند. اساسا بدیهی است که ششوک یک‌باره جامعه را متلاطم می‌کند. از سویی مسئله اصلاح قیمت بنزین تاریک شده ندارد، بلکه پس از جنگ کم درباره آن مطالعات بسیاری شده است. اصلاح قیمت بنزین در برنامه چهارم تحت عنوان هدفمندی یارانه‌ها مطرح بود که براساس آن قرار بر این بود یارانه مجموع حامل‌های انرژی حتی سایر یارانه‌ها هدفمند شود و تنها به اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند تعلق بگیرد. در آن زمان مطابق برنامه چهارم قرار بود سالانه ۱۰ درصد به قیمت بنزین افزوده شود. در همان زمان در مجلس قیمت برخی تسبیه به اصلاح قیمت حامل‌ها اعتراض کردند مبنی بر اینکه طرح مذکور ایراد دارد و ما به‌دنبال تصویب قیمت‌ها هستیم و می‌خواهیم آن را شب عید به مردم عیدی بدهیم، غافل از اینکه این تصمیم علیه منافع ملی بود، به‌طوری‌که تبعات منفی‌اش را در سال‌های بعد تا به امروز نشان داده است. درصورتی‌که این برنامه اجرا می‌شد، اکنون حتی اگر قیمت بنزین پنج هزار تومان بود، کسی نسبت به آن اعتراض نمی‌کرد، زیرا به‌تدریج و قابل‌پیش‌بینی برای مردم و اقتصاد اتفاق می‌افتاد. موارد یادشده حکایت از این دارد که مدیران و برنامه‌ریزان درباره مسائل درست تصمیم نمی‌گیرند، چراکه در غیر این صورت اگر مسائل عقلانی اقتصادی با لچ‌بازی‌های سیاسی مجلس هفتم علیه دولت اصلاحات دخالت داده نمی‌شد و اجازه داده می‌شد تا مسیر تصمیم‌ها به‌صورت عقلانی انجام یی شد، امروز با مشکل افزایش ناگهانی و شوک قیمتی مواجه نمی‌شدیم. این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها امری است که نه‌تنها در مسائل اقتصادی بلکه در بسیاری از مسائل سیاسی، سیاست خارجی و... دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که دولت نتوانسته است توانایی‌های لازم را از خود نشان دهد. به همین دلیل همچنان معتقدم که مهم‌ترین اقدام دولت مسئله کاهش قیمت‌ها و کاهش ناآرامی‌ها و مشکلات بسیار زیادی با خروج آمریکا مواجه شد و تقریبا رو به کم‌رنگی قرار دارد، با این‌همه بزرگ‌ترین کارکردش خروج ایران از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، لغو یکباره قطع‌نامه‌ها و مذاکره ایران برای نخستین بار آن‌هم به‌طور برابر با قدرت‌های بزرگ جهان بود؛ این موارد دستاوردهای بزرگی است. اما متأسفانه مخالفت تندروها با برجام و نیز خروج ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک منجر شد که امروز توافق هسته‌ای دچار چنین سرنوشتی شود. با این‌همه دولت توانایی این مهم را نداشت که با شرایط به‌وجودآمده مقابله کند و از سویی بسیاری از اختیاراتی را که دولت قانونی به‌طور طبیعی دارد، نداشت و درعین حال نمی‌توانست از آن اختیارات نسبی‌اش هم به نحو صحیح استفاده کند.

❧ **امروز به‌همین دلیل بسیاری از مسائل سیاسی، سیاست خارجی و... دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که دولت نتوانسته است توانایی‌های لازم را از خود نشان دهد. به همین دلیل همچنان معتقدم که مهم‌ترین اقدام دولت مسئله کاهش قیمت‌ها و کاهش ناآرامی‌ها و مشکلات بسیار زیادی با خروج آمریکا مواجه شد و تقریبا رو به کم‌رنگی قرار دارد، با این‌همه بزرگ‌ترین کارکردش خروج ایران از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، لغو یکباره قطع‌نامه‌ها و مذاکره ایران برای نخستین بار آن‌هم به‌طور برابر با قدرت‌های بزرگ جهان بود؛ این موارد دستاوردهای بزرگی است. اما متأسفانه مخالفت تندروها با برجام و نیز خروج ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک منجر شد که امروز توافق هسته‌ای دچار چنین سرنوشتی شود. با این‌همه دولت توانایی این مهم را نداشت که با شرایط به‌وجودآمده مقابله کند و از سویی بسیاری از اختیاراتی را که دولت قانونی به‌طور طبیعی دارد، نداشت و درعین حال نمی‌توانست از آن اختیارات نسبی‌اش هم به نحو صحیح استفاده کند.**

ادامه در صفحه ۱۵

اینه

نویسندگان

مسئله FATF نیست!

❧ **علی رضایان**...: مسئله تنها FATF نیست، بلکه رویکردی که مانع تصویب FATF است به عنصر اصلی مانع‌تراشی در گسترش تجارت و مرادوات اقتصاد ایران با جهان در داخل بدل شده و این مؤنور اصلی تولید رفاه برای شهروندان را معیوب ساخته است. به عبارت دیگر درحالی‌که دشمنان ایران با ابزار تحریمی شهروندان ما را از داشتن مرادوات معمول جهانی محروم کرده‌اند، در داخل نیز این رویکرد با ترس به معهود مرادوات بسا دیگران و سازمان‌های بین‌المللی می‌نگرد. منطق این رویکرد آن است که سازمان‌های بین‌المللی نماینده هژمون قدرت‌های جهانی به‌خصوص آمریکا هستند و نباید با آنها روابط عادی دیگر کشورها را داشت و طنز تلخ اما آن است که امروز در ایالات متحده گروهی بر سرکازند که همه ارگان‌های بین‌المللی را اِلبازی برای چاپیدن آمریکایی‌ها می‌دانند و بر آن‌اند تا می‌توانند از هر سازمان و توافق بین‌المللی خارج شوند. عامل هر دو این رویکردها، درون‌گرایی است. درون‌گرایی بیم از معاهدات بین‌المللی را ایجاد می‌کند؛ اما در صدر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، بر برون‌گرایی تأکید شده است. وقتی ملتی اتکا و اعتماد به خود داشته باشد، هیچ بیمنی از گسترش روابط و اجرای معاهدات بین‌المللی که تمام کشورهای دنیا از آن پیروی کرده‌اند، وجود نخواهد داشت. اقتصاد ایران برای خروج از درجازدن یک دهه‌ای خود، نیازمند گسترش روابط با کشورهای دیگر است و تنها یک رویکرد برون‌گراست که می‌تواند مواج بلند خارجی را تا جای ممکن کوتاه کند و اگر این رویکرد مبنای تصمیم بود، تاکنون FATF به سرانجام می‌رسید.



❧ **فتنه‌ای که فراموش نخواهد شد**

❧ **محمدجواد اخسوان**...: درخصوص چرایی اصرار اینان برای «منشی»‌شدن فتنه چند احتمال وجود دارد: نخست آنکه برخی از افسراد، به‌خصوص نخبگان سیاسی در این آزمون تاریخی، کارنامه‌ای غیرقابل‌قبول و حتی مردود دارند و طرح مکرر این موضوع یادآور این نکته برای آنهاست، که ثانیاً دشمنان و بدخواهان ملت ایران که سناریوی فتنه ۸۸ را شکست‌خورده یافته‌اند و البته هنوز از طرح‌های فسطاطی خود ناامید نیستند، مایل‌اند با فرافکنی و تغافل زمینه را برای فتنه‌های آینده مهیا کنند. البته در کنار اینها ممکن است یادشده معدود کسانی که به‌رغم اینکه در طول ۱۰ سال اخیر بسیاری از غبارهای فتنه کنار رفته و آفتاب حقیقت پدیدار شده، هنوز فهم دقیقی از واقعیت ماجرا پیدا نکرده و مسئله را سطحی تلقی می‌کنند. اینان به دلیل ضعف در تحلیل و تحت‌تأثیر قرارگرفتن القائات افسرد بی‌بصیرت و عوامل دشمن، درکی بسیار نازل و کاریکاتورز از فتنه ۸۸ پیدا کرده‌اند و گمان می‌کنند برای مثال فتنه‌ای که هشت ماه خشتی‌سازی و مهار آن به طول انجامید برآثر یک سوءتفاهم و اظهارات نامرذها در مناظره ۱۲ خرداد ۱۳۸۸ شکل گرفته است. اینان با بستن چشم خود بر عوامل تأثیرگذار خارجی و حتی اذغان سران نظام سلسله در حمایت از فتنه‌گران، جب و بغض‌های خود از مسئولان وقت اجرائی را پایه تحلیل سیاسی خویش قرار داده‌اند...

اعتقاد

روحانی ومخالفان

❧ **جلال مبرزایی**...: به‌رغم مشکلات بسیار زیادی که درنتیجه تحریم‌های یک‌جانبه ایالات‌متحده آمریکا برای ایران ایجاد شد، بازهم مخالفان دولت دسث از کار نکشیده و به‌اصطلاح نجابت به خرج ندادند. آنان که در دوران فعالیت دولت متبوع خودشان تمام مشکلات کشور و به‌تحریم‌هایی نسبت می‌دادند که از لحاظ نوع و وسعت به مراتب کمتر از امروز بود، این روزها نه تنها چنین نکردند، بلکه کوشیدند تا ق‌وای مجربه و مقننه در مسئول تمام مشکلات نشان دهند. این گروه با انتشار کلیپ‌هایی در فضای مجازی مشروعیت دولت را مستقیما هدف قرار دادند تا قدرت‌طلبی خود را بیش‌ازپیش در معرض نمایش بگذارند. این جریان برای آنکه بار دیگر قدرت را به دست گیرد از هیچ اقدامی فروگذار نیست و حتی حاضر است هزینه‌های بسیار سنگینی را به نظام جمهوری اسلامی تحمیل کند. اما در این میان ممکن است برخی بی‌رسند که چرا رئیس‌جمهوری از ابتدا واقعیت تحریم‌ها را با مردم در میان نگذاشت، کرده و از نمایش وخامت اوضاع پرهیز کند، ولی حتی سکوت روحانی و پرهیز او از موضع‌گیری‌های ناپخته نظیر سایران نیز بازهم با واکنش مناسب ازسوی جریان مقابل همراه نشد. رئیس‌جمهوری با سفرهای متعدد به کشورهای خارجی درصدد ارتقای جایگاه دیپلماسی ایرانی برآمد، ولی همواره ازسوی مخالفانش تخریب شد؛ حال آنکه نظیر این موضوع در سایر کشورها عملا امری تکرار‌نشدنی محسوب می‌شود. در تمام کشورهای جهان دو یا چند جناحی وجود دارد و این‌گونه نیست که دولت و حکومت به‌طورکلی یک‌دست باشند و اختلاف سلسلیقه و نظری وجود نداشته باشد ولی همواره اصل، منافع ملی است.